

پژوهشهای حقوقی

شماره ۲۱

هزار و سیصد و نود و یک - نیمسال اول

- مجوزهای اجباری ابزاری رقابتی در برابر انحصار حقوق مالکیت فکری
محمود باقری - سیمین عباسی
- بررسی و تحلیل زبان علم حقوق ایران در پرتو زبان‌های علمی مدرن
حسین سیمایی صراف - حامد ملکشاهی
- «دارا شدن من غیر حق» در حقوق ایران در پرتو کنوانسیون سازمان ملل متحد
برای مبارزه با فساد مالی
سید منصور میر سعیدی - حجت تجارزاده اهری
- دستاوردهای جدید قانون داورى انگلستان در مقایسه با قانون داورى تجارى بین‌المللى ایران
حمیدرضا علیخانی - سعید عباسی
- حق بر دادرسی منصفانه در مرحله تحقیقات مقدماتی در رویه قضایی دادگاه اروپایی حقوق بشر
نقیسه بهرامی
- حرکت به سوی قاعده‌سازی و انگاره‌های معاصر: رویه قضایی در آئینه
دیوان بین‌المللی دادگستری
امیر ارسلان رسول‌پور - عبدالله عابدینی
- اجرای احکام محکومیت جزای نقدی در حقوق کیفری ایران و انگلستان
مریم همتی
- مروری کوتاه بر پرونده رادوان کارادزیچ: قصاب بالکان
هیبت‌الله نژندی منش





اجرای احکام محکومیت جزای نقدی در حقوق کیفری ایران و انگلستان

مریم همتی*

چکیده: یکی از مجازات‌هایی که امروزه به دلایل مختلف از جمله: سهولت اجرا، به نفع خزانه دولت بودن و عدم ایجاد عادت در مجرمان مورد توجه قانونگذاران قرار گرفته، جزای نقدی است. با توجه به اینکه این مجازات در حقوق کیفری ایران و انگلستان پیش‌بینی شده، لذا مقاله حاضر به بررسی مقررات اجرایی این کیفر که تقریباً در هر دو کشور اعمال می‌شوند می‌پردازد. این اقدامات شامل اعطاء مهلت، تقسیط، استیفا از اموال مجرم و حبس در صورت عدم پرداخت جزای نقدی است که در قالب چهار گفتار بررسی شده‌اند.

کلیدواژه‌ها: جزا، جزای نقدی، مقررات اجرایی، حقوق کیفری

مقدمه

جزای نقدی از جمله کیفرهایی است که در قوانین و مقررات کیفری ایران و انگلستان پیش‌بینی گردیده است. می‌توان گفت که در حقوق ایران بعد از مجازات‌های بدنی و سالب آزادی، در ردیف سوم اهمیت قرار دارد و به عنوان بهترین واکنش در برابر بسیاری از مجازات‌های مالی تلقی می‌شود. علاوه بر این، وجود مزایای زیاد برای این کیفر در مقایسه با مجازات‌های سالب آزادی و سایر مجازات‌ها، باعث شده است تا از آن همواره به عنوان

* کارشناس ارشد حقوق جزا و جرم‌شناسی (دانشگاه آزاد اسلامی واحد علوم و تحقیقات تهران)

جایگزینی سنتی مخصوصاً برای مجازات جرائم کم‌اهمیت و حبس‌های کوتاه مدت استفاده شود.

قانون مجازات اسلامی، این مجازات را به عنوان کیفری تعزیری و بازدارنده معرفی کرده است. در حقوق جزای انگلستان، از واژه "Fines" برای جریمه‌های نقدی استفاده شده است. در این کشور علاوه بر «دادگاه‌های صلح»^۱ که قادرند تا این کیفر را برای «جرائم اختصاری»^۲ و نیز «جرائم دووجهی»^۳ اعمال کنند، «دادگاه‌های جزا»^۴ نیز به موجب «قانون عدالت کیفری»^۵ مصوب ۲۰۰۳ و «قانون اختیارات محاکم کیفری (تعیین مجازات)»^۶ مصوب ۲۰۰۰، اختیارات وسیعی برای اعمال این مجازات برای «جرائم قابل رسیدگی با کیفرخواست»^۷ دارند.

در خصوص مقررات اجرایی این کیفر در حقوق کیفری ایران، باید متذکر شد که اجرای مجازات جزای نقدی همانند سایر مجازات‌ها با دادستان است^۸ و به موجب ماده ۲۹۹ قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۷۸، «در اجرای حکم به جزای نقدی، میزان محکوم‌به، باید به حساب خزانه دولت واریز و برگ رسید آن پیوست پرونده شود.»

در اجرای حکم جزای نقدی طبق قانون نحوه اجرای محکومیت‌های مالی مصوب ۱۳۷۷ و نیز آیین نامه اجرایی آن، محکوم‌علیه باید جزای نقدی را بردارد و چنانچه معسر از پرداخت جزای نقدی باشد، ممکن است که، به وی مهلت داده شود و یا جزای نقدی تقسیط گردد و یا از اموال محکوم‌علیه استیفاء گردد. نهایتاً اینکه، در صورت عدم پرداخت طبق شرایط مورد توافق، محکوم‌علیه زندانی می‌شود.

در انگلستان، مسئولیت اجرای مجازات‌های غیرسالب آزادی^۹، به ویژه جزای نقدی با قضات دادگاه صلح است.^{۱۰} به موجب ماده ۱۴۰ «قانون اختیارات محاکم کیفری» (تعیین مجازات) مصوب ۲۰۰۰، چنانچه جزای نقدی توسط دادگاه جزا تحمیل شده باشد، اجرای حکم با دادگاه صلحی خواهد بود که از آن در حکم محکومیت به جزای نقدی نام برده شده و در صورت عدم قید در حکم، با دادگاه صلحی خواهد بود که مرتکب را برای

1. Magistrates' courts

2. Summary offences

3. Either way triable offences

4. Crown Courts

5. Criminal Justice Act 2003

6. Powers of criminal courts (sentencing) Act 2000

7. Indictable offences

۸. به موجب بند الف ماده ۳ قانون تشکیل دادگاه‌های عمومی و انقلاب، مصوب ۱۳۷۳.

9. Non-Custodial sentences

10. Martin Partington, *An introduction to the English legal system*, Oxford University Press, 2006, p. 121.

محاکمه یا تعیین مجازات به دادگاه جزا معرفی نموده است. در صورتی که جزای نقدی توسط دادگاه صلح تعیین شده باشد، این دادگاه خود مجری حکم خواهد بود. همچنین دادگاه مجری حکم می‌تواند مسؤولیتش در اجرای حکم را به دادگاه محل سکونت محکوم علیه تفویض نماید.

به موجب بند ۱ ماده ۸۰ و نیز ماده ۱۴۲ قانون «اختیارات محاکم کیفری (تعیین مجازات)» مصوب ۲۰۰۰، دادگاه می‌تواند دستور تفحص و بازرسی مجرمی که به پرداخت جزای نقدی محکوم گردیده را در زمان حضور در دادگاه صادر کند تا چنانچه پولی از وی کشف گردد، برای پرداخت جزای نقدی مورد استفاده قرار گیرد.

پرداخت جزای نقدی تحمیل شده به مرتکب زیر ۱۸ سال، طبق ماده ۱۳۷ قانون اخیرالذکر، به جای خود شخص، با والدین یا قیم و سرپرست وی خواهد بود؛ مگر اینکه دادگاه متقاعد شود که والدین و یا سرپرست در دسترس نیستند و یا اینکه دادگاه با در نظر گرفتن شرایط و اوضاع و احوال مالی والدین و قیم، به این نتیجه برسد که صدور چنین دستوری غیرمنطقی است.

همچنین در این کشور نیز، اقداماتی مانند اعطاء مهلت به محکوم علیه جهت پرداخت جزای نقدی و تقسیط جزای نقدی صورت می‌گیرد. به علاوه دادگاه اختیار دارد تا دستور دهد که مجرم برای پرداخت جزای نقدی، تحت نظارت یک مأمور مراقبتی یا شخص مقتضی دیگری قرار گیرد.

به طور کلی در صورت عدم پرداخت جزای نقدی، طیف وسیعی از اقدامات اجرایی در این کشور وجود دارد؛ از جمله: نامه‌های تذکر و اخطار، قرارهای نظارت بر پرداخت پول، قرار خدمات اجتماعی^{۱۱}، قرار نظارت الکترونیکی^{۱۲}، محرومیت از رانندگی^{۱۳}، انتصاب افسرانی برای نظارت بر پرداخت جزای نقدی^{۱۴}، انجام خدمات عمومی و کارهای عام المنفعه، قرارهای ضبط مداخل و درآمدهای محکوم علیه، نگهداری شبانه در مرکز پلیس، معرفی موقت به زندان، قرار منع رفت و آمد به مکان خاص در ساعات خاص و ... حال چنانچه روش‌های دیگر برای پرداخت جزای نقدی مؤثر واقع نشود، نهایتاً از حبس بدل از جزای نقدی استفاده می‌شود؛ یعنی، ضمانت اجرای نهایی برای عدم پرداخت جزای نقدی، زندان خواهد بود.

با توضیحاتی که ارائه شد، در ادامه در قالب چهار گفتار به تشریح اقداماتی که در

11. Community service order
12. Curfew with electronic tagging
13. Disqualification from driving
14. Fines Officers

اجرای جزای نقدی تقریباً در هر دو کشور وجود دارد، یعنی اعطاء مهلت^{۱۵}، تقسیط^{۱۶}، استیفاء جزای نقدی از اموال محکوم‌علیه و حبس در صورت امتناع از پرداخت جزای نقدی^{۱۷}، می‌پردازیم.

گفتار اول: اعطاء مهلت

ماده ۲ آیین‌نامه اجرایی موضوع ماده ۶ قانون نحوه اجرای محکومیت‌های مالی مصوب ۱۳۷۸/۲/۲۶، مقرر کرده:

«هرگاه محکوم‌علیه برای پرداخت جزای نقدی مهلت بخواهد، مرجع اجرای حکم می‌تواند مهلت مناسبی که بیش از یک ماه نباشد به او بدهد. مرجع صادرکننده حکم می‌تواند به درخواست محکوم‌علیه و پیشنهاد مرجع مجری حکم، با در نظر گرفتن شرایط و وضعیت محکوم‌علیه و میزان جزای نقدی و سایر اوضاع و احوال مؤثر، این مهلت را حداکثر تا دو ماه دیگر تمدید کند.»

پس در نهایت با در نظر گرفتن جميع جهات مهلتی حداکثر سه ماهه به محکوم‌علیه داده می‌شود.

ضمناً به موجب ماده ۱۱ آیین‌نامه مذکور، در صورت اعطاء مهلت چنانچه قبلاً از محکوم‌علیه تأمین متناسب اخذ نشده باشد، در این صورت مرجع صادرکننده حکم، مطابق مقررات آیین دادرسی کیفری و متناسب با میزان محکومیت قرار تأمین صادر می‌کند و چنانچه این تأمین به بازداشت محکوم‌علیه منجر شود، از میزان محکومیت او کسر خواهد شد.

در حقوق کیفری انگلستان، دادگاهی که برای یک مجرم مجازات جزای نقدی اعمال می‌کند، معمولاً بنا بر تکلیف مهلتی برای پرداخت به مجرم می‌دهد. حتی زمانی که تکلیفی برای این کار نداشته باشد، باز هم دادگاه طبق صلاحدید این مهلت را به مجرم می‌دهد.^{۱۸} اختیارات دادگاه جزا در اعطاء مهلت برای پرداخت جزای نقدی در ماده ۱۴۱ «قانون اختیارات محاکم کیفری» (تعیین مجازات) سال ۲۰۰۰، پیش‌بینی شده است.

در این کشور تنها در موقعیت‌های استثنایی است که دادگاه می‌تواند اعطاء مهلت را رد کند. این موقعیت‌های استثنایی عبارتند از:^{۱۹}

15. Grant time to pay
16. Installment
17. Imprisonment in default
18. J. Spark, *A practical approach to criminal procedure*, 12th edition, Oxford University Press, 2008, p. 466.

۱۹. ماده ۸۲ قانون دادگاه‌های صلح مصوب ۱۹۸۰.

۱- وقتی که جرم ارتكابی از نوع قابل حبس باشد، مجرم باید جزای نقدی را فوراً بپردازد؛^{۲۰} ۲- چنانچه مجرم به صورت ثابت مقیم انگلستان نباشد و یا اینکه احتمال داشته باشد که انگلستان را ترک کند؛ و ۳- چنانچه مجرم سابقه تحمل مجازات سالب آزادی را داشته باشد و یا اینکه همزمان با تحمیل جزای نقدی یک مجازات سالب آزادی نیز توسط دادگاه برای مجرم صادر شده باشد.

همچنین، طبق تأکید بند ۳ ماده ۱۳۹ قانون اختیارات محاکم کیفری (تعیین مجازات) مصوب ۲۰۰۰، در صورتی برای پرداخت جزای نقدی به مجرم، مهلت داده نمی‌شود که، اولاً: برای دادگاه محرز شود که مجرم دارایی کافی برای پرداخت فوری جزای نقدی دارد؛ ثانیاً: برای دادگاه محرز شود که بعید است که مجرم برای مدت طولانی در انگلستان اقامت کند تا قادر به پرداخت مبلغ جزای نقدی به شیوه‌های دیگری (غیر از پرداخت فوری) باشد؛ ثالثاً: چنانچه مجرم، برای آن جرم یا جرائم دیگر به حبس فوری، حبس ابد یا نگهداری در مرکز مجرمان جوان محکوم شده باشد و یا اینکه قبلاً یک مجازات سالب آزادی را طی کرده باشد.

در اعطاء مهلت برای پرداخت جزای نقدی، دادگاه به این ترتیب عمل می‌کند که یا مدتی را تعیین می‌کند که جزای نقدی باید در آن مدت به طور کامل پرداخت شود، یا اینکه دستور پرداخت جزای نقدی در اقساط معین را صادر می‌کند. مهلت مذکور می‌تواند بنا بر اقتضا دو یا حتی سه ساله نیز باشد.^{۲۱}

طبق اظهار «انجمن رهنمودهای تعیین مجازات قضات صلح»^{۲۱} (۲۰۰۰)، اصولاً جزای نقدی عندالمطالبه است و باید از متهم خواسته شود که فوراً آن را بپردازد. چنانچه اجازه پرداخت مؤجل باشد معمولاً باید حداکثر ظرف ۱۲ ماه پرداخت شود.^{۲۲} در صورتی که دادگاه تقاضای اعطاء مهلت برای پرداخت جزای نقدی را رد کند و مجرم مبلغ تعیین شده را فوراً نپردازد، در این صورت مجرم به زندان فرستاده می‌شود تا اینکه جزای نقدی را بپردازد و یا اینکه دوره تعیین شده برای حبس در صورت عدم پرداخت را طی کند.

چنانچه مجرم در پرداخت جزای نقدی مشکل داشته باشد، او می‌تواند از دادگاه مجری حکم، درخواست اعطاء مهلت بیشتری برای پرداخت مبلغ مذکور نماید. در صورتی که محکوم‌علیه در پرداخت جزای نقدی در مهلت مقرر قصور نماید، دادگاه به منظور تحقیق

20. Andrew Ashworth, *Sentencing and criminal justice*, 4th edition, Cambridge University Press, 2005, p. 310.

21. Magistrates' Association Sentencing Guidelines (2000)

22. J. Spark, *op. cit.*, p. 467.

و تفحص در خصوص دارایی‌های او را احضار می‌کند و بعد از تحقیق، چنانچه معلوم شود که در شرایط و اوضاع و احوال مجرم نسبت به زمان تحمیل جزای نقدی تغییراتی به وجود آمده و به همین دلیل او در پرداخت جزای نقدی دچار مشکل شده است، قضات صلح می‌توانند محکوم را از پرداخت جزئی از جزای نقدی یا کل آن معاف نمایند؛ البته دادگاه‌های صلح نمی‌توانند، تمام یا قسمتی از جزای نقدی تحمیل شده توسط دادگاه جزا یا «دادگاه استیناف (بخش کیفری)»^{۲۳} یا «دادگاه عالی»^{۲۴} (تجدید نظر از حکم دادگاه استیناف) را بدون موافقت دادگاه جزا ببخشند.^{۲۵}

گفتار دوم: تقسیط جزای نقدی

از اقدامات بشردوستانه‌ای که مانع توقیف محکومان به جزای نقدی می‌شود، تقسیط جزای نقدی مقرر در حکم است که این تقسیط باید، متناسب با درآمد محکوم‌علیه و به نحوی باشد که موجب عسر و حرج او و خانواده‌اش نشود. بدین ترتیب از تراکم زندانی در زندان و افزایش هزینه‌های دولت جلوگیری می‌شود.^{۲۶}

دلیل پرداخت اقساطی جزای نقدی در حقوق کیفری ایران، ماده ۲ قانون نحوه اجرای محکومیت‌های مالی مصوب ۱۳۵۱ و بند «د» ماده یک آیین‌نامه اجرایی ماده ۲ قانون مزبور بود که طی آن دادستان می‌توانست در صورت مواجه بودن تقاضا، جزای نقدی را تقسیط و به اقساط وصول نماید. در حال حاضر نیز ماده ۳ قانون نحوه اجرای محکومیت‌های مالی مصوب ۱۳۷۷، جزای نقدی را قابل تقسیط دانسته و در این خصوص اعلام می‌دارد:

«هرگاه محکوم‌علیه مدعی اعسار شود (ضمن اجرای حبس) به ادعای او خارج از نوبت رسیدگی و در صورت اثبات اعسار از حبس آزاد خواهد شد و چنانچه متمکن از پرداخت به نحو اقساط شناخته شود دادگاه متناسب با وضعیت مالی وی حکم بر تقسیط محکوم‌به را صادر خواهد کرد.»

لذا پذیرش تقاضای تقسیط جزای نقدی توسط دادگاه، مشروط به شروط ذکر شده در

ماده است.^{۲۷}

23. The criminal division of the Court of Appeal

24. House of Lords on appeal from that division

۲۵. بند ۵ ماده ۱۴۰ قانون اختیارات محاکم کیفری (تعیین مجازات) مصوب ۲۰۰۰

۲۶. ایرج گلدوزیان، *بایسته‌های حقوق جزای عمومی* (۱-۲-۳)، تهران، میزان، چاپ شانزدهم، ۱۳۸۷، ص

۳۲۹

۲۷. حسن حاجی‌تبار فیروزجانی، «جایگاه جایگزین‌های حبس در نظام عدالت کیفری ایران (حال و آینده)»،

مجله حقوقی دادگستری، ش ۶۴، سال ۷۲، پاییز ۱۳۸۷، ص ۸۳

علاوه بر این، قسمت اخیر ماده ۳۸ قانون مجازات اسلامی نیز به صورت تلویحی، تقسیط جزای نقدی را پذیرفته و مقرر می‌دارد:

«... و در مجازات حبس توأم با جزای نقدی مبلغ مزبور را بپردازد یا با موافقت رئیس حوزه قضایی ترتیبی برای پرداخت داده شده باشد.»

برابر تصمیمات مسؤولان اجرای احکام دادگستری استان تهران، «رئیس حوزه قضایی می‌تواند جزای نقدی محکوم‌علیه را تقسیط نماید. با پذیرفته شدن تقاضای تقسیط، صدور قرار وثیقه و مشروط نمودن آزادی به تودیع وثیقه الزامی است زیرا با [احتمال بروز] مشکلاتی که عمدتاً ناشی از وصول اقساط است بهتر است حداکثر تا مبلغ ده میلیون ریال عمل شود و رقم بالاتر از آن مورد موافقت قرار نگیرد.»^{۲۸}

بنا بر نظریه شماره ۷/۱۶۹۴-۷۳/۳/۴-۷ اداره حقوقی قوه قضاییه، در صورتی که با تقسیط جزای نقدی محکوم‌علیه موافقت شود و او از زندان آزاد شود و پس از آزادی از پرداخت اقساط امتناع نماید، در این حالت محکوم‌علیه دستگیر و بابت باقیمانده جزای نقدی به زندان اعاده می‌گردد؛ اما در مواردی که محکوم‌علیه وثیقه داده باشد، مقام مجری حکم می‌تواند برابر مقررات با فروش وثیقه، حقوق دولت را استیفاء نماید.

در خصوص محکومان جرائم مواد مخدر، تقسیط جزای نقدی با شرایطی پذیرفته شده است. بنا بر مقررات ذی‌ربط، تقسیط جزای نقدی مورد حکم، پس از اجرای مدت حبس توسط اجرای احکام، منوط به اخذ وثیقه‌ای معادل آن و تضمین معتبر از طرف شخص ثالث است که مدت آن نباید از سه سال بیشتر باشد؛^{۲۹} و به منظور حصول اطمینان از پرداخت به موقع اقساط جریمه، اجرای احکام ملزم است با اخذ وثیقه معادل مبلغ جریمه با تضمین شخص معتبر که ملائت وی محرز گردیده، نسبت به ترخیص زندانی اقدام کند. مفاد وثیقه‌نامه یا قراردادهای تنظیمی باید به نحوی باشد که در صورت تخلف، ضبط مورد وثیقه یا اخذ وجه‌الضمان و اعتبارنامه بانکی توسط اجرای احکام سریعاً انجام و وجه حاصله به حساب ستاد مبارزه با مواد مخدر واریز و اموال ضبط شده به کمیسیون فروش اموال تحویل گردد. ضمناً، عدم پرداخت سه قسط متوالی یا غیرمتوالی، کلیه اقساط باقیمانده را تبدیل به حال کرده و از موارد رجوع به وثیقه‌گذار یا تضمین‌کنندگان فوق است. ضمناً مفاد این تبصره باید در قرارداد مربوط به اخذ وثیقه درج گردد.^{۳۰}

۲۸. ایرج گلدوزیان، پیشین، همانجا.

۲۹. تبصره ۱ ماده ۳۱ قانون اصلاح قانون مبارزه با مواد مخدر مصوب ۱۳۷۶ مجمع تشخیص مصلحت نظام.

۳۰. ماده ۲۱ آیین‌نامه اجرایی قانون اصلاح قانون مبارزه با مواد مخدر ۱۳۷۶ و تبصره آن.

برخی بر این عقیده‌اند که با توجه به اقتضای تشدید کیفر نسبت به محکومان جرائم مواد مخدر، نباید جزای نقدی آنان تقسیط گردد و ارفاق بیشتر به چنین محکومانی از جمله تقسیط جزای نقدی موجب گرایش بیشتر آنان به ارتکاب جرم می‌گردد که این امر نمی‌تواند مدنظر قانونگذار باشد.^{۳۱}

طبق قوانین کیفری انگلستان نیز پرداخت جزای نقدی ممکن است که به صورت اقساطی صادر شده باشد. قضات صلح می‌توانند به جای اعزام محکومی که جزای نقدی مقرر را نپرداخته به زندان، این امر را معلق نمایند و جزای نقدی را تقسیط نمایند؛ البته به شرطی که مرتکب با این مدت‌های تعیین شده موافقت کند و در صورت عدم موافقت محکوم با تقسیط جزای نقدی، او بدون نیاز به رسیدگی بعدی توسط دادگاه، به زندان فرستاده خواهد شد.

همچنین مواد ۱۳۹ و ۱۴۱ «قانون اختیارات محاکم کیفری (تعیین مجازات) مصوب ۲۰۰۰، اختیار تقسیط مبالغ جزای نقدی را به دادگاه‌های جزا داده است.

البته مخالفت‌هایی نیز در زمینه تقسیط جزای نقدی صورت گرفته است؛ با این استدلال که، هدف قانونگذار از تصویب این‌گونه مجازات‌ها ایجاد هراس در مجرمین بوده است و با تقسیط کردن جریمه نقدی، این هدف کم رنگ خواهد شد. از طرف دیگر، چنانچه جزای نقدی تقسیط گردد، شاید سال‌ها برای دریافت محکوم به، فرصت لازم باشد در صورتی که هدف قانونگذار از تصویب این نوع مجازات‌ها، فوریت آن بوده است.^{۳۲}

به نظر می‌رسد که این ایراد چندان به جا نیست؛ به این دلیل که، اگر فرض کنیم که محکوم فاقد امکانات مالی کافی برای پرداخت جزای نقدی باشد و اجازه تقسیط نیز داده نشود، در این صورت تنها راهی که باقی می‌ماند، اعزام محکوم به حبس است که این خود مضرات بی‌شماری دارد و کاملاً با اهداف مقنن از وضع این کیفر، منافات دارد.

گفتار سوم: استیفای جزای نقدی از اموال محکوم‌علیه

به موجب آیین نامه اجرایی قانون نحوه اجرای محکومیت‌های مالی،^{۳۳} در صورتی که محکوم‌علیه جزای نقدی مقرر در حکم را نپردازد ولی مالی اعم از منقول یا غیرمنقول از

۳۱. ایرج گلدوزیان، پیشین، همانجا.

۳۲. اکبر رضازاده، «محکومیت‌های مالی در حقوق جزای ایران»، پایان‌نامه کارشناسی ارشد حقوق جزا و جرم‌شناسی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد علوم و تحقیقات، ۸۵-۱۳۸۴، صص ۶۴-۶۳.

۳۳. مواد ۳ تا ۱۱ آیین‌نامه اجرایی موضوع ماده ۶ قانون نحوه اجرای محکومیت‌های مالی (۷۷/۱۱/۱۰)، مصوب

وی کشف گردد (به غیر از مستثنیات دین)، که بتوان جزای نقدی را از آن استیفاء نمود، چنانچه مال مذکور وجه نقد باشد، به دستور مرجع مجری حکم معادل جزای نقدی ضبط و به حساب مربوطه واریز می‌شود. در مورد اموال منقول و غیرمنقول (به شرط اینکه بدون معارض باشد)، فوراً معادل جزای نقدی و هزینه‌های اجرایی توقیف و با استعلام نظریه دو کارشناس، از طریق مزایده و با حضور نماینده مرجع مجری حکم، فروخته شده و جزای نقدی و هزینه‌های مربوطه استیفاء می‌شود.

چنانچه قبل از فروش مال توقیف شده، جزای نقدی و هزینه‌های اجرایی پرداخت شود، در این صورت از مال مزبور، رفع توقیف می‌شود.

همچنین در صورتی که مرجع مجری حکم با قراین قوی احتمال دهد که محکوم‌علیه، به غیر از مستثنیات دین، مالی دارد که می‌توان با فروش آن جزای نقدی را استیفاء نمود، در این خصوص تحقیقات لازم را به عمل می‌آورد.

چنانچه استیفاء جزای نقدی از اموال محکوم‌علیه مستلزم اقداماتی باشد که اجرای حکم را به تأخیر می‌اندازد، در صورتی که قبلاً از محکوم‌علیه تأمین متناسب اخذ نشده باشد، در این صورت مرجع صادرکننده حکم، مطابق مقررات آیین دادرسی کیفری و متناسب با میزان محکومیت قرار تأمین صادر می‌کند و چنانچه این تأمین به بازداشت محکوم‌علیه منجر شود، از میزان محکومیت او کسر خواهد شد.

همچنین در خصوص محکومان به مواد مخدر مقرر شده، در صورتی که محکوم‌علیه از تأدیه جزای نقدی امتناع نماید، در حالی که به تشخیص دادگاه صادرکننده حکم قادر به پرداخت آن باشد، دادگاه مزبور حکم به فروش اموال مازاد بر مستثنیات دین را به میزان جزای نقدی مقرر صادر خواهد نمود.^{۳۴}

در انگلستان، دادگاه مجری دستور می‌تواند در صورت عدم پرداخت جزای نقدی از طرف محکوم، حکم ضبط کالاهای مربوط به مجرم را صادر کند و برای تأمین جزای نقدی آن‌ها را بفروشد یا اینکه به میزان محکومیت به جزای نقدی از عواید و مقرری شخص محکوم کسر نماید. دادگاه می‌تواند دستور توقیف حقوق و درآمد مجرم را صادر کند تا بدین وسیله کارفرمای مجرم را ملزم کند که مبلغی را از حقوق و دستمزد مجرم کسر و به دادگاه بپردازد.^{۳۵}

۳۴. ماده ۱۱ آیین‌نامه اجرایی قانون اصلاح قانون مبارزه با مواد مخدر مصوب ۱۳۷۶.

35. Spark, *op. cit.*, p. 467.

گفتار چهارم: بازداشت بدل از جزای نقدی

در حقوق ایران، به موجب ماده ۱ قانون نحوه اجرای محکومیت‌های مالی مصوب ۱۳۷۷/۸/۱۰، عدم پرداخت جزای نقدی منجر به بازداشت محکوم‌علیه خواهد شد که حقوقدانان از آن به حبس یا بازداشت بدل از جزای نقدی یاد می‌کنند. ماده مذکور اعلام می‌دارد که: «هر کس به موجب حکم دادگاه در امر جزایی به پرداخت جزای نقدی محکوم گردد و آن را نپردازد و یا مالی غیر از مستثنیات دین از او به دست نیاید به دستور قاضی صادر کننده حکم به ازای هر پنجاه هزار ریال یا کسر آن یک روز بازداشت می‌گردد...»

طبق این ماده، میزان حبس بدل از جزای نقدی نباید از پنج سال تجاوز نماید. همچنین، برابر ماده ۳۱ قانون مبارزه با مواد مخدر ۱۳۶۷ مجمع تشخیص مصلحت نظام، محکومانی که قادر به پرداخت تمام یا بخشی از جریمه نقدی مورد حکم نباشند، باید به ازای هر هزار تومان ده روز در زندان نیمه باز یا باز یا مراکز اشتغال و حرفه‌آموزی اقامت نمایند. در صورتی که طرز کار و رفتار محکومان در مدت اقامت مزبور شایسته باشد، بنا به تشخیص مسؤولان اداره مرکز، این مدت تا سه روز در ازاء هر هزار تومان قابل تقلیل است. البته قانونگذار در سال ۱۳۷۶، بازداشت بدل از جزای نقدی را برای هر هزار تومان یک روز تعیین کرده که در صورت تقاضا و تشخیص مسؤولان مرکز و موافقت اجرای احکام، مبلغ فوق به ازاء روزی بیست تا پنجاه هزار ریال محاسبه می‌شود.^{۳۶} در هر حال، طول مدت حبس بدل از جزای نقدی برای محکومان به جرائم مواد مخدر، بیشتر از ده سال نخواهد بود.^{۳۷}

در حقوق انگلستان قضات صلح تنها زمانی محکوم‌علیه را به دلیل امتناع از پرداخت جزای نقدی به حبس می‌فرستند که اعطاء مهلت مورد موافقت قرار نگرفته و همچنین شخص مجرم با وجود استطاعت مالی، جزای نقدی را نپردازد و شیوه‌های اجرایی دیگر نیز مؤثر نباشد، در این صورت آن‌ها دستور اعزام محکوم به زندان را صادر می‌کنند که مدت آن توسط قاضی دادگاه جزا تعیین می‌شود (در مورد جزای نقدی صادره از دادگاه جزا). در صورتی که حکم توسط قضات صلح صادر شده باشد، مدت حبس نباید از حداکثر مدت

۳۶. ماده ۳۱ قانون اصلاح قانون مبارزه با مواد مخدر.

۳۷. تبصره ۲ ماده ۳۱ قانون مذکور.

تعیین شده در جدول ۴ مربوط به «قانون دادگاه‌های صلح»^{۳۸} مصوب ۱۹۸۰ در خصوص میزان جزای نقدی موردنظر تجاوز نماید و اگر بخشی از جزای نقدی پرداخت شده باشد، از حداکثر دوره حبس تعیین شده به وسیله جدول مذکور، به تناسب آن کاسته می‌شود.

ولی دادگاه جزا موظف است که به هنگام حکم به پرداخت جزای نقدی، ضمانت عدم اجرای آن را نیز بیان کند و مدتی را که مجرم در صورت عدم پرداخت باید در زندان به سر ببرد، تعیین نماید.^{۳۹}

در مواردی که مجرم بالای ۱۸ سال سن و یا زیر ۲۱ سال سن داشته باشد، دادگاه برای عدم پرداخت جزای نقدی، وی را به زندان نمی‌فرستد؛ بلکه برای یک دوره، به مؤسسه نگهداری از مجرمین جوان فرستاده می‌شود.

بند ۴ ماده ۱۳۹ «قانون اختیارات محاکم کیفری (تعیین مجازات)» مصوب ۲۰۰۰، حداکثر مدت حبس و یا نگهداری در مرکز نگهداری از مجرمان جوان، در صورت امتناع از پرداخت جزای نقدی را در جدولی که در صفحه بعد ترسیم شده است، بیان کرده است. در پایین‌ترین سطح این جدول، طول مدت حبس برای قصور در پرداخت جزای نقدی که مبلغ آن ۲۰۰ پوند یا کمتر باشد، نباید از هفت روز تجاوز کند و در بالاترین سطح جدول، طول مدت حبس برای جزای نقدی بیش از یک میلیون پوند، نباید از ۱۰ سال تجاوز کند؛ البته جزای نقدی اخیر خیلی به ندرت تعیین می‌شود. قانون فوق فقط حداکثر جزای نقدی را بیان کرده و حداقل را بیان نکرده است. لذا دادگاه می‌تواند طبق صلاحدید میزان حبس کمتری را تعیین نماید.

در صورتی که مجرمی به دلیل ارتکاب جرایم متعددی به جزای نقدی محکوم شده باشد، در این صورت دادگاه جزا برای عدم پرداخت جزای نقدی هر کدام از آن‌ها، یک دوره حبس تعیین می‌کند و می‌تواند دستور دهد که این دوره‌ها به صورت متوالی طی شود (قاعده جمع مجازات‌ها).

همچنین در صورتی که شخص مجرم به مجازات سالب آزادی هم محکوم شده باشد، دادگاه می‌تواند دستور دهد که حبس بدل از جزای نقدی به صورت متوالی با آن مجازات طی شود.

38. Magistrates' Courts Act 1980

۳۹. بند ۲ ماده ۱۳۹ قانون اختیارات محاکم کیفری (تعیین مجازات).

شایان ذکر است که در سال‌های اخیر در کشور انگلستان، تلاش جمعی و موفقی برای کاهش شمار محکومان اعزامی به زندان به جهت عدم پرداخت جزای نقدی، صورت گرفته است^{۴۰} و از سپتامبر ۲۰۰۷، اختیار دادگاه‌ها در استفاده از حبس بدل از جزای نقدی، به شدت محدود شده است و به جای آن دادگاه می‌تواند، دستور انجام کار مجانی در مدتی مشخص و یا قرارهای دیگری که ذکر آن‌ها رفت، را صادر کند.^{۴۱}

جدول مربوط به حداکثر مدت حبس و یا نگهداری در مرکز نگهداری از مجرمان جوان

میزان جزای نقدی	حداکثر مدت حبس یا نگهداری در مرکز نگهداری مجرمین جوان
کمتر از ۲۰۰ پوند	۷ روز
بیش از ۲۰۰ پوند و کمتر از ۵۰۰ پوند	۱۴ روز
بیش از ۵۰۰ پوند و کمتر از ۱۰۰۰ پوند	۲۸ روز
بیش از ۱۰۰۰ پوند و کمتر از ۲۵۰۰ پوند	۴۵ روز
بیش از ۲۵۰۰ پوند و کمتر از ۵۰۰۰ پوند	۳ ماه
بیش از ۵۰۰۰ پوند و کمتر از ۱۰۰۰۰ پوند	۶ ماه
بیش از ۱۰۰۰۰ پوند و کمتر از ۲۰۰۰۰ پوند	۱۲ ماه
بیش از ۲۰۰۰۰ پوند و کمتر از ۵۰۰۰۰ پوند	۱۸ ماه
بیش از ۵۰۰۰۰ پوند و کمتر از ۱۰۰۰۰۰ پوند	۲ سال
بیش از ۱۰۰۰۰۰ پوند و کمتر از ۲۵۰۰۰۰ پوند	۳ سال
بیش از ۲۵۰۰۰۰ پوند و کمتر از ۱ میلیون پوند	۵ سال
بیش از ۱ میلیون پوند	۱۰ سال

نتیجه‌گیری و پیشنهاد

یادآوری می‌شود که گرچه از نظر سیاست کیفری مناسب، جزای نقدی به عنوان جایگزین مجازات حبس توجیه می‌شود، با این حال در صورت عجز محکوم‌علیه از پرداخت آن، جزای نقدی تبدیل به حبس می‌گردد که این امر بیشتر در حقوق ایران نمود پیدا می‌کند؛ چرا که در حقوق انگلستان با عنایت به اینکه دادگاه‌ها ملزم به متناسب کردن میزان جزای نقدی با امکانات مالی مجرم هستند لذا این امر مانع از حبس افراد بی‌بضاعت به دلیل عدم پرداخت جزای نقدی می‌شود. در هر حال به نظر می‌رسد که با حبس بدل از جزای نقدی،

40. Ashworth, *op. cit.*, p. 311.

41. http://www.westlothian.gov.uk/social_health/CriminalJusticeSocialWork/584

نتیجه‌ای که عاید می‌شود، نقض غرض قانونگذار است. چرا که، جزای نقدی خود فی‌نفسه، به عنوان جایگزین سستی کیفر حبس مطرح بوده است؛ بدین معنا که یکی از اهداف مقنن از وضع جزای نقدی، جایگزینی آن با مجازات‌های سالب آزادی، خصوصاً در جرائم سبک بوده؛ چرا که امروزه آثار زیانبار کیفرهای حبس و به ویژه حبس‌های کوتاه مدت بر کسی پوشیده نیست و کیفرشناسان به کرات معایب آن‌ها را بیان کرده‌اند. حال، در یک دور باطل، مجدداً حبس، جایگزین جزای نقدی شده است. البته این امر گریبانگیر محکومان بی‌بضاعت می‌شود. در این باره گفته شده است که «کیفرهای مالی علیه افرادی که توانایی مالی برای پرداخت ندارند غیرقابل استناد و اعمال است».^{۴۲}

لذا به نظر می‌رسد، انجام «کار جزایی» یا «کار به نفع جامعه» و همچنین «جزای نقدی روزانه»^{۴۳} ضمانت اجراهای جانشین مناسبی برای این منظور باشند. در برخی از کشورهای جهان، محکومان در صورت عدم پرداخت جزای نقدی، به جای زندانی شدن، به نفع دولت کار می‌کنند.^{۴۴} بدین ترتیب که محکوم‌علیه تحت نظارت زندان به کار اشتغال می‌ورزد و در برابر آن مزد دریافت می‌دارد و قسمتی از آن به دولت پرداخت می‌شود که در واقع این روش یک نوع کار بدل از جزای نقدی محسوب می‌شود.^{۴۵} به عبارت دیگر این دسته از محکومان با نرخ معینی به کارهای عمومی یا عام‌المنفعه گماشته می‌شوند که این کار اصطلاحاً «بیگاری کیفری» نامیده می‌شود.^{۴۶} اخیراً در انگلستان و سوئد سیستم مزبور را با توقیف‌های آخر هفته ادغام نموده، ضمن تغییر عنوان آن به «کار به نفع جامعه» نتایج درخشانی از لحاظ بهبود حال مجرمان جوان گرفته‌اند. با این توضیح که دادگاه، مجرمان جوانی را که مرتکب جرائم سبک شده‌اند، به چند هفته «کار به نفع جامعه» محکوم می‌کند و مجرمان مزبور ضمن حفظ آزادی خود در طول هفته، فقط روزهای تعطیل با پوشیدن لباس کار، به محل کار تحت سرپرستی کمیته نظارت بر کار زندانیان رفته

۴۲. برنارد بولک، کیفرشناسی، ترجمه علی‌حسین نجفی ابرندآبادی، تهران، مجد، چاپ چهارم، ۱۳۸۴، ص ۶۸.
43. Day fine

۴۴. جاوید صلاحی، کیفرشناسی، تهران، میزان، ۱۳۸۶، ص ۱۴۳.

۴۵. محمود آخوندی، آیین دادرسی کیفری، ج ۱، تهران، انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، چاپ سوم، ۱۳۶۹، ص ۱۲۷.

۴۶. گارو، مطالعات نظری و عملی در حقوق جزا، ج ۲، ترجمه و تطبیق سیدضیاءالدین نقابت، ۱۳۴۴، ص

و همراه کارگران دولتی به کارهای عام‌المنفعه‌ای که قبلاً برای آنان در نظر گرفته شده می‌پردازند.

همچنین یکی از حرکت‌های کاملاً جدید برای مؤثرتر و عادلانه‌تر کردن جریمه‌های نقدی و نیز رفع معایب جزای نقدی سنتی، ابداع جریمه‌های روزانه است. در این شیوه جزای نقدی نه بر اساس پول بلکه بر اساس روز و با توجه به میزان درآمد روزانه محکوم علیه تعیین می‌شود.^{۴۷} در نظام جریمه روزانه، مبلغ و میزان جریمه، در دو مرحله مشخص می‌شود: در مرحله اول، قاضی بر حسب نوع و اهمیت جرم ارتكابی، شمار روزهای پرداخت جریمه را در یک محدوده قانونی (حداقل و حداکثر قانونی) تعیین می‌کند. در مرحله دوم، قاضی به تناسب درآمد مجرم، مبلغ جریمه روزانه را تعیین می‌کند؛ بدین ترتیب که از کل درآمد روزانه مجرم، مقداری را برای هزینه‌های معمول زندگی مجرم و خانواده‌اش کنار گذاشته و مابقی را به عنوان جریمه روزانه کسر می‌کند. سپس، مقدار کسر شده از درآمد روزانه را در شمار روزهایی که به عنوان روزهای جریمه تعیین شده، ضرب کرده و به این صورت مجموع جریمه‌ای را که مجرم باید بپردازد، تعیین می‌کند.^{۴۸}

شایان ذکر است که دولت انگلستان در سال‌های آغازین دهه ۱۹۹۰ و به موجب قانون عدالت کیفری ۱۹۹۱، یک نظام «واحدبندی جزای نقدی»^{۴۹} را برای تمام دادگاه‌های صلح ابداع و معرفی کرد ولی به دلیل انتقادات وارده، در سال ۱۹۹۳ آن را منسوخ کرد و به جای آن دادگاه‌ها ملزم شدند تا به هنگام حکم به جزای نقدی، امکانات مالی مجرم را در نظر گرفته و میزان جزای نقدی را متناسب با آن تعیین کنند که این امر موجب شده تا از محکومیت مجرمان بی‌بضاعت به جزای نقدی و به تبع آن زندانی شدن آنان جلوگیری شود.

فهرست منابع

آخوندی، محمود؛ آیین دادرسی کیفری، ج اول، تهران، انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، چ سوم، ۱۳۶۹.

۴۷. مارک آنسل، دفاع اجتماعی، ترجمه محمد آشوری و علی حسین نجفی ابرندآبادی، تهران، انتشارات دانشگاه تهران، چاپ سوم، ۱۳۷۵، ص ۱۰۳.

۴۸. محمد آشوری، جایگزین‌های زندان یا مجازات‌های بینابین، تهران، گرایش، چاپ دوم، ۱۳۸۵، ص ۳۸۵.

49. Unit fines system

آشوری، محمد؛ جایگزین‌های زندان یا مجازات‌های بینابین، نشر گرایش، چ دوم، ۱۳۸۵.
آنسل، مارک؛ دفاع اجتماعی، ترجمه محمد آشوری و علی حسین نجفی ابرندآبادی، انتشارات
دانشگاه تهران، چ سوم، ۱۳۷۵.

بولک، برنارد؛ کیفرشناسی، ترجمه علی حسین نجفی ابرندآبادی، انتشارات مجد، چ چهارم، ۱۳۸۴.
حاجی تبار فیروزجائی، حسن؛ جایگاه جایگزین‌های حبس در نظام عدالت کیفری ایران (حال و
آینده)، مجله حقوقی دادگستری، شماره ۶۴، سال هفتاد دوم، پاییز ۱۳۸۷.

خانقاهی بالا، ساسان؛ مجازات نقدی در حقوق کیفری ایران، پایان نامه کارشناسی ارشد، رشته
حقوق جزا و جرم‌شناسی دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران، ۱۳۷۳.

رضازاده، اکبر؛ محکومیت‌های مالی در حقوق جزای ایران، پایان نامه کارشناسی ارشد حقوق جزا و
جرم‌شناسی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد علوم و تحقیقات، ۸۵-۱۳۸۴.

صلاحی، جاوید؛ کیفرشناسی، تهران، نشر میزان، چ اول، ۱۳۸۶.

گارو، مطالعات نظری و عملی در حقوق جزا، ترجمه و تطبیق سید ضیاءالدین نقابت، ج ۲، ۱۳۴۴.

گلدوزیان، ایرج؛ بایسته‌های حقوق جزای عمومی (۱-۲-۳)، نشر میزان، چ شانزدهم، ۱۳۸۷.

قانون مجازات اسلامی.

قانون نحوه اجرای محکومیت‌های مالی مصوب ۱۳۷۸ و آیین‌نامه اجرایی آن.

قانون اصلاح قانون مبارزه با مواد مخدر و الحاق موادی به آن مصوب ۱۳۷۶.

Ashworth, Andrew; Sentencing and criminal justice, Forth edition, Cambridge university, 2005.

Partington, Martin; An introduction to the English legal system, Oxford university, 2006.

Spark, J., A practical approach to criminal procedure, Twelfth edition, Oxford university, 2008.

Powers of Criminal Courts (sentencing) Act 2000.

Magistrates' Courts Act 1980.

Criminal Justice Act 2003.

http://www.westlothian.gov.uk/social_health/CriminalJusticeSocialWork/584.

<http://www.magistrates-association-temp.org.uk/sentencing.php>.

JOURNAL OF LEGAL RESEARCH

VOL. XI, No. 1

2012-1

- Compulsory Licenses for Intellectual Property: Challenges among Developing and Developed Countries
Mahmood Bagheri & Simin Abbasi
- Survey and Analyze of the Legal Language in Iran in light of Modern Scientific Languages
Hossein Simaee Sarraf & Hamed Malekshahi
- Unjust Enrichment in Iranian Law in light of UN Convention against Corruption
Seyed Mansoor Mirsaedi & Hojjat Najarzadeh Ahari
- New Achievements of England Arbitration Act 1996 in compare with Iranian International Trade Arbitration Act
Hamid Reza Alikhani & Saeid Abasi
- Right of Fair Trial in Pre-Trial Investigation in ECHR Practice
Nafisseh Bahrami
- Moving towards Lawmaking and Contemporary Approach: Jurisprudence in the Context of ICJ
Amir Arsalan Rasoolpour & Abdollah Abedini
- Executive Regulations of Fines in Penal Laws of Iran and England
Maryam Hemmati
- Reflections on *Radovan Karadzic* Case: Butcher of Balkan
Heybatoolah Nazhandi Manesh

ISSN: 1682-9220



S. D. I. L.

The S.D. Institute of Law
Research & Study